

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل
۰۸ سپتمبر ۲۰۲۲

پاسخ به سؤال "نافرمانی مدنی" چیست؟

چهارشنبه- ۱۶ سنبله ۱۴۰۱ - کابل: در یادداشت امروز بحث مختصری داریم در مورد معنا، مفهوم و کاربرد "نافرمانی مدنی" که در یادداشت روز گذشته عنوان داده بودم و تعدادی از خوانندگان عزیز پورتال هم از طریق پورتال و هم مستقیماً آن را مطرح نموده و پرسیده اند که آیا نافرمانی مدنی همان جنبش عدم خشونت است که در قرن ۲۰ مهاتما گاندی، مارتین لوتر کینگ و نلسون ماندیلا سمبول های برجسته آن بود و یا خیر؟

۱- نخست از همه سپاس بیکرانم را خدمت تمام آنهایی که در مورد مطلب توضیح خواسته اند، تقدیم می دارم. این بزرگوران با پرسش های شان ثابت ساخته اند که اولاً پورتال و نگاشته هائی که در آن به نشر می رسد از نظر شان جدی است، هر چند نویسنده آدم کم بضاعتی مانند این قلم باشد؛ در ثانی با پرسش شان تفاوت بین یک منبر آخندی و پورتال را در عمل واضح ساخته اند. بدان معنا که خلاف منابر که آخند و ملا بر بالای آن نشسته از آسمان و ریسمان گز می کنند و هر چه در دهنشان آمد می گویند و مستمعان حق پرسش و سؤال و جواب را ندارند، پورتال نهادیست مسؤول و پاسخگو که موظف است در قبال هر آنچه می یابد یا نویسنده و یا هم پورتال پاسخ به سؤالات احتمالی را بدهد.

۲- افاده "نافرمانی مدنی" از لحاظ معنا معادل است با کلمه civil disobedience به زبان انگلیسی. این افاده همان سان که از ترکیب ظاهر آن پیداست، مرکب از دو کلمه جدا گانه می باشد، یکی "نافرمانی" به معنای "سرکشی"، "نادیده گرفتن"، "بی اعتنائی کردن" و شدیدتر آن به عربی "عصیان و تمرد"؛ دیگری "مدنی" که گرفته شده از "مدن" و "تمدن" هم به معنای حیات اجتماعی شهری و هم آراسته به ارزش های زندگی باهمی در پناه یک فرهنگ و مدنیت خاص می باشد.

این افاده در اصطلاح به معنای به رسمیت شناختن "حق اعتراض و مقاومت" مردم از جانب حاکمیت و در بسا موارد به خصوص در کشور هائی ادعای دموکراسی دارند، تضمین آن به وسیله قانون اساسی و سایر قوانین. از جمله اعتصاب، تظاهرات و اشکال دیگر مبارزات مسالمت آمیز.

۳- هرگاه از منظر ادیان ابراهیمی به مسأله نظر اندازیم و از "شیطان" به مثابه آغازگر تمرد و سرکشی و نافرمانی در مقابل اوامر خدا بگذریم، نخستین نافرمان و سرکش از همان آغاز پیدایش انسان "حوا" همسر "آدم" بود که خلاف

دستورات الهی، با خوردن دانه گندم و یا سیب، نافرمانی اش را از دستوراتی که با آن موافق نبود، ثبت کتیبه خرائین تاریخ ادیان نمود.

هرچند تعدادی از مؤرخین و دانشمندان، سرکشی و نافرمانی مدنی را بیشتر کار انسان می دانند، مگر تحقیقات اخیر در روش زندگانی حیوانات، این نکته را ثابت ساخته است که سرکشی و نافرمانی تنها خصیصه انسانی نه، بلکه در اکثر موجودات حیه دیگر نیز به درجات مختلف وجود دارد. بر همین مبنا با جرأت گفته می توانیم که سرکشی و نافرمانی بخشی از ذات تمام موجودات حیه می باشد.

۴- "نافرمانی مدنی" عمدتاً زمانی صورت می گیرد که حاکمیت بنا بر ملاحظاتی که فقط نزد خودش محترم است بدون آن که خواست، ذهنیت و نیازمندیهای مردم را در نظر گیرد، به تطبیق اهداف خاص خودش می کوشد. در چنین صورتی، برای مردم هیچ راهی باقی نمی ماند به جز این که ابتکار عمل را به دست خود گرفته، در عمل راه شان را از راهی که حاکمیت می خواهد عملی سازد، جدا سازند. این نافرمانی می تواند از سطح یک روستا و عدم ملاحظه نیازمندیهای همان روستا آغاز بیاید تا در سطح یک کشور.

هرچند دانشمندان علوم اجتماعی، "نافرمانی مدنی" بخشی و یا به مثابه جنبش های مسالمت آمیز و میرا از خشونت از نوع حرکتی را که "مهاتما گاندی" در هند به راه انداخت و یا "مارتین لوتر کینگ" در امریکا و یا "نلسون ماندیلا" در افریقای جنوبی عملی نمودند می دانند؛ مگر در واقعیت امر این دو نمی توانند یکسان باشند. یعنی خلاف جنبش های عاری از خشونت و غیر فعالی مانند حرکت "گاندی" در هندوستان، تجارب تاریخی نشان داده است که "نافرمانی مدنی" هرچند به صورت مسالمت آمیز آغاز یافته، مگر در تکامل خود، زمانی که حاکمیت ها به قهر رو آورده خواسته اند آن جنبش ها را سرکوب نمایند، از بطن جنبش "نافرمانی مدنی" مقاومت مسلحانه توده ئی با تمام ابعاد آن نیز بیرون شده است.

۵- "نافرمانی مدنی" می تواند به مثابه یک تیغ دو دم در مواجهه با حاکمیت عمل نماید. یعنی هرگاه حاکمیت متوجه منطق حرکت توده ها و جذب برنامه های آنها گردد و به جای آن که به مقابله با آن حرکت دست زند، خود از پلانیهای گذشته به خواست مردم تمکین نماید، بزرگترین و قویترین حمایت را از جانب توده ها نیز صاحب شده، می تواند با تکیه بر آن خواست اولی توده ها که در نافرمانی مدنی تبارز یافته بود، برنامه های سنگین و گران قیمتی را با حداقل مصارف به اتمام برساند؛ نقطه مقابل این تمکین، هرگاه حاکمیت بخواهد "نافرمانی مدنی" توده ها را که عمدتاً به صورت مسالمت آمیز و عاری از خشونت آغاز می یابد با قهر سرکوب کند، منطق حقانیت خشونت متقابل وارد عمل شده، حاکمیت برای خود دشمن آشتی ناپذیر می خرد.

هموطنان گرامی سؤال کننده، من برداشت خود را از "نافرمانی مدنی" نگاشتم امیدوارم این پاسخ به سؤال، مفید واقع شود. در هر صورت اگر دوستان دیگر آن را تکامل دهند، بر من نیز منت خواهند گذاشت.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!